

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷ (پیاپی ۵۴)
(ویژه‌نامه جمعیت و توسعه)

بررسی عوامل موثر بر سازگاری فرهنگی مهاجران به شهر قائمیه

دکتر منصور حقیقتیان*	دکتر احمد غضنفری**	سید عبدالرسول تقوی***
دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه امام حسین (ع)	دانشگاه آزاد اسلامی
واحد دهقان	اصفهان	واحد دهقان

چکیده

مطالعه و پژوهش درباره اثرات مهاجرت بر افراد، همواره مورد توجه پژوهشگران و صاحب نظران علوم اجتماعی بوده است. اثرات مهاجرت بر مهاجران نیز یکسان نبوده و متغیرهای گوناگون به میزان‌های متفاوت بر آن‌ها تاثیر می‌گذارند. تحقیق حاضر، در پی سنجش میزان تاثیر متغیرهای تحصیلات، شغل، میزان درآمد، سن، مدت اقامت در قائمیه، فاصله محل سکونت مهاجر نسبت به شهر قائمیه و داشتن رابطه خویشاوندی با بومیان بعد از مهاجرت، بر سازگاری فرهنگی مهاجران به شهر قائمیه بود. در این تحقیق، با به کارگیری دیدگاه کارکردگرایی و "فرضیه تماس"، شاخص‌هایی جهت سنجش سازگاری فرهنگی مهاجران که شامل دو زیر مجموعه فرهنگ پذیری و رضایتمندی می‌شد، تنظیم گردید. روش تحقیق این مطالعه «پیمایش» و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود. جامعه آماری، کلیه مهاجران ۱۵ سال به بالا به شهر قائمیه بودند که از میان آنها، با استفاده از فرمول کوکران، ۳۲۵ نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. نتایج تحقیق نشان داد که، سازگاری فرهنگی مهاجران در حد متوسط بوده و اینکه سن، تحصیلات، مدت اقامت در قائمیه و درآمد، دارای رابطه مثبت و معنی دار با سازگاری فرهنگی بودند و متغیر فاصله محل تولد مهاجر از قائمیه، دارای رابطه منفی و معنی دار با سازگاری فرهنگی بود. تحلیل رگرسیون نشان داد که، متغیرهای مدت اقامت در قائمیه، ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، سن، درآمد، تحصیلات، داشتن اقوام در قائمیه

* استادیار جامعه شناسی

** استادیار روانشناسی

*** پژوهشگر علوم اجتماعی

قبل از مهاجرت و فاصله قائمیه تا محل تولد، ۴۳/۸۶ درصد واریانس سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: ۱. مهاجران ۲. سازگاری ۳. سازگاری فرهنگی ۴. فرهنگ پذیری ۵. رضایتمندی.

۱. مقدمه

در دنیای معاصر، تعداد بسیار زیادی از انسانها، به امید بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی - اقتصادی خویش، یا فراهم آوردن فرصت‌های جدید برای خود و یا فرزندانشان، از موطن خود به مکانهای دیگر مهاجرت می‌کنند. مسأله‌ی ادغام شدن مهاجران در مکان جدید و چگونگی سازگاری این افراد با شرایط محیط جدید، از مسائل بسیار مهم علوم اجتماعی می‌باشد.

در ایران نیز، در سال‌های اخیر مهاجرت‌های زیادی صورت گرفته و افراد بسیاری از شهرهای کوچک و یا روستاها به شهرهای بزرگتر یا از نظر اقتصادی "پویاتر" مهاجرت کرده‌اند. «از مجموع ۸۷۱۸۷۷۰ نفر که در فاصله ده سال قبل از سرشماری ۱۳۷۵ مهاجرت کرده بودند، محل اقامت قبلی ۲۸۳۳۰۰۰ نفر (۳۲ درصد) از مهاجران، نقاط روستایی بوده و محل اقامت قبلی تعداد ۵۶۰۲۸۶۵ (۶۴ درصد) نفر از مهاجران، نقاط شهری بوده است، که نشانگر رشد نوع جدید از مهاجرت، یعنی مهاجرت شهر به شهر در کشور می‌باشد» (ایران محبوب و میرفردی، ۱۳: ۱۳۸۲). با توجه به اینکه مهاجرت معمولاً از نظر روحی - عاطفی و بعضاً از نظر اقتصادی، فشارهای قابل توجهی به افراد وارد می‌کند، مطالعه عوامل موثر بر سازگاری مهاجران در محیط جدید، شاید بتواند در کاستن از این حجم مهاجرت‌های تکراری، مفید واقع شده و رضایت آنان از تجربه مهاجرت را افزایش دهد. به علاوه، چون مهاجران از اقوام و قبیله‌های متفاوت می‌باشند، توجه به سازگاری آنان می‌تواند بر بهبود روابط بین اقوام نیز موثر واقع شود.

یکی از شهرهایی که با توجه به موقعیت استراتژیک خود، یعنی، قرار گرفتن در مسیر تقاطع چهار استان فارس، خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد، و آب و هوای معتدل، پذیرای تعداد زیادی مهاجر از شهر و روستاهای اطراف بوده، شهر قائمیه یا چنار شاه‌یجان است. ساکنان اولیه یا قدیمی تر قائمیه، از طایفه‌های دشمن زیاری و کشکولی بزرگ از شهرستان ممسنی هستند که از قوم لر می‌باشند، ولی مهاجران اخیر شامل قومیت‌های ترک، کوهمره و غوری نیز می‌شوند. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا این مهاجران جدید توانسته‌اند به راحتی در قائمیه جایی برای خود پیدا کنند و خود را با این محیط تطبیق دهند؟ و اینکه از عوامل موثر در این فرایند، کدام تاثیر بیشتری داشته است؟

۲. ادبیات تحقیق

در تحقیقی که اکبری مله‌ی (۱۹۹۸) بر روی کارگران مهاجر ایرانی در فیلیپین انجام داد، محقق دریافت که، عدم شناخت جامعه جدید، محدودیت ارتباط اجتماعی، اختلاف زبان و تفاوت در دین و

فرهنگ مهاجران با افراد بومی، موجب سوء تغذیه، افسردگی، دلتنگی و ناامیدی در بین مهاجران شده بود. علاوه بر این، تماسهای محدود با جامعه میزبان و همچنین ناامنی‌هایی که زن و مرد در شغل و محیط جدید احساس می‌نمودند، باعث افزایش چشمگیر وابستگی بین افراد خانواده شده بود و ناراحتی‌های "معمولی" بین زن و شوهر و یا بین فرزندان و پدر و مادر، شدت خاصی یافته بود.

فیفر^۱ (۱۹۹۹)، سازگاری مهاجران ویتنامی در تورانتو (کانادا) را بررسی کرده و متذکر می‌شود که، بیشتر مهاجران ویتنامی را مردان جوانی تشکیل می‌دادند که در مقایسه با سایر اقلیتها، دارای سطح تحصیلات پایین‌تر بوده و اکثراً نمی‌توانستند انگلیسی یا فرانسوی صحبت کنند و اغلب در مشاغل غیر دولتی و غیر رسمی با دستمزدهای پایین مشغول به کار بودند. به ادعای فیفر، عدم تفاهم فرهنگی و مشکل زبان، دو مسأله‌ی اصلی دارای تاثیر منفی، بر سازگاری ویتنامی‌ها بوده، و این درحالی بود که انجمن‌های قومی و به خصوص مذهبی، نقش مهمی در سازگاری آن‌ها ایفا می‌کرد.

در تحقیقی که ویرزبکی^۲ (۲۰۰۴) در مورد سازگاری مهاجران در آمریکا انجام داد به این نتیجه رسید که، انجمن‌ها در جوامع مهاجران، حتا ضعیف‌ترین آنها، اغلب به عنوان حامی و منسجم‌کننده روابط آن‌ها به شمار رفته‌اند. او دریافت در مقایسه، با کسانی که در وطنشان متولد شده بودند، افرادی که در خارج از وطنشان به دنیا آمده بودند، ارتباطات قومی بیشتری داشتند.

رامبات^۳ (۱۹۹۱)، در بررسی تاثیر مهاجران قبلی از کامبوج بر سازگاری مهاجران جدید کامبوجی به آمریکا به این نتیجه رسید که، هر چند داشتن ارتباط با مهاجران قدیمی ممکن است سازگاری با محیط جدید را برای فرد در ابتدای کار آسان کند ولی، تاثیر بلند مدت این ارتباط، کاهش دگرگونی فرد جدید در فرهنگ محیط جدید می‌باشد (نقل از ویکز^۴، ۲۴۹: ۱۹۹۹)، شاید به خاطر اینکه فشار برای یادگیری زبان فرهنگ محیط جدید را کاهش می‌دهد.

ژلیازکووا^۵ (۱۹۹۸)، سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران ترک بلغاری را در شهر صوفیای ترکیه مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که، سازگاری اجتماعی - فرهنگی آن‌ها اساساً، به موقعیت تحصیلی و شغلی آن‌ها و به تسلط آن‌ها بر زبان رسمی ترکیه بستگی دارد. بیشتر بلغاریه‌های دارای تحصیلات بالا و موقعیت شغلی خوب در ترکیه، ترجیح می‌دهند، در شهرهایی سکونت کنند که از اجتماعهای بهم فشرده پناهندگان به دور باشند.

بردنیکووا^۶ و پاچنکف^۷ (۱۹۹۹) مشکلات سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران آذربایجانی به سن پترزبورگ روسیه را مطالعه نمود و دریافت که، بیشتر مهاجران مرد و هدف نهایی مهاجرت نیز شغل بوده است. انسجام قومی آن‌ها ضعیف و پایگاه و موقعیت خانوادگی در بین آنان، از اهمیت زیادی برخوردار بود. بزرگترین مشکلی که آذربایجانی‌ها داشتند، ظاهر قفقازی آن‌ها بود که موجب بروز واکنش‌های منفی از طرف روسها (به ویژه از نظر دادن کار یا اجاره دادن آپارتمان) می‌شد. یافتن مدرسه برای بچه‌ها و تسلط بر روی زبان روسی، از دیگر مشکلات این مهاجران بوده است.

نظام اکبری (۱۳۷۹)، تحقیق دیگری درباره عوامل موثر بر فرایند سازگاری ایرانیان مقیم امارات

متحده عربی اکبری (۱۳۷۹) انجام داد. محقق دریافت که، متغیرهای سن، بعد خانوار، میزان درآمد، مدت اقامت در محیط جدید، جنسیت، وضعیت تاهل، شغل، محل تولد مهاجر (شهر یا روستا)، میزان تحصیلات مهاجر، و نوع مذهب مهاجر (شیعه یا اهل تسنن بودن) رابطه معنی داری با متغیر وابسته تحقیق، یعنی میزان سازگاری مهاجر با محیط جدید داشتند.

شعرباف (۱۳۷۶)، در مطالعه‌ای که در ارتباط با انطباق پذیری مهاجران افغانی در اصفهان انجام داد به این نتیجه رسید که، متغیرهای سواد، تاهل، مدت اقامت و میزان امید به بهبود اوضاع آتی افغانستان، تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر روی میزان سازگاری مهاجران افغان داشتند.

سیف الهی و امیر مظاهری (۱۳۸۵)، در مطالعه انطباق اجتماعی مهاجران روستایی به منطقه ۱۶ (به عنوان نمونه محله‌های فقیر نشین) تهران، با استفاده از طیف لیکرت، انطباق اجتماعی را در سه "لایه" بررسی کردند. لایه اول، هم‌نواپی و هم‌رنگی، شامل مواردی مانند نحوه تفریح کردن تهرانی‌ها، نحوه حرف زدن، خوراک، پوشاک و عزاداری آنها، وسایل زندگی و معاشرت با اقوام، بود. از این جنبه، میزان انطباق مهاجران در حد متوسط بود. لایه دوم، هم‌سازی و مشارکت، شامل به کارگیری موارد لایه اول، در صورت بازگشت مهاجران به "ولایت" خودشان می‌شد. در این سطح، انطباق در حد متوسط متمایل به ضعیف بوده، یعنی بسیاری از مهاجران احساس می‌کردند در به کار بردن ویژگی‌های فرا گرفته در تهران در "ولایت" خودشان مشکل خواهند داشت. لایه سوم، فرهنگ پذیری، شامل خلیقات فکری - ذهنی مهاجران می‌شد که نشان دهنده ترس از پلیس و دادگاه، بی اعتمادی به دیگران و رواج پول پرستی و دروغ‌گویی در بین مهاجران بود. محققان حاشیه‌ای بودن، یکباره در معرض تغییرهای درونی - بیرونی قرار گرفتن و نداشتن فرصت لازم برای ورود (فرهنگ پذیری، جامعه پذیری) به زندگی شهری را، دلایل عمده انطباق نسبتاً سطحی مهاجران می‌دانند.

ربانی و پالیزان (۱۳۸۳)، در بررسی عوامل اجتماعی موثر در فرهنگ پذیری مهاجران شهر فیروزآباد دریافتند که، بین جنسیت، نوع شغل و درآمد مهاجران و فرهنگ پذیری آنان رابطه مثبت ولی ضعیف وجود داشته است. بین میزان تحصیلات و مدت اقامت مهاجران در مکان جدید، و فرهنگ پذیری آنان رابطه مثبت و قوی وجود داشت، ولی سن مهاجران با فرهنگ پذیری آنان، رابطه معنی دار اما معکوس داشت. متغیرهای محل سکونت قبلی، قومیت و بعد مسافت نیز رابطه‌ای با فرهنگ پذیری نداشتند.

تحقیق‌های انجام گرفته درباره سازگاری مهاجران، دامنه وسیعی از مطالعات را شامل می‌شوند؛ مهاجرانی که فاصله مبدا و مقصد آنها و همچنین تفاوت فرهنگی شان بسیار زیاد است (مانند: ایرانی‌ها در فیلیپین یا ویتنامی‌ها در کانادا)، مهاجرانی که فاصله مبدا و مقصد آنها نسبتاً کم بوده و تفاوت‌های فرهنگی نیز در آنها بسیار زیاد نبودند (مانند، ترک‌های بلغاری در ترکیه یا افغان‌ها در ایران) و مهاجرانی که در درون یک کشور مهاجرت کرده اند. نتایج این تحقیق‌ها نشان می‌دهند که، علیرغم اینکه برخی متغیرها مانند، میزان شناخت و ارتباط داشتن مهاجران با محیط جدید، شغل و تحصیلات، در بین بیشتر آنها مشترک هستند، عوامل تاثیرگذار بر سازگاری مهاجران، بسیار متنوع بوده و نتایج به دست

آمده با یکدیگر متفاوت یا حتی متناقض می‌باشند، بنابراین، تعمیم یافته‌ها را بسیار مشکل ساز می‌کنند.

۳. مبانی نظری تحقیق

اولین تلاش منسجم برای تبیین فرایند سازگاری مهاجران را اندیشمندان "مکتب شیکاگو"، حوالی سال‌های ۱۹۳۰ میلادی انجام دادند (کوزر، ۱۳۷۳). رابرت پارک، مراحل این فرایند را به صورت زیر تدوین نمود:

۱. ۳. مرحله رقابت و تضاد

پس از روبه رو شدن اولیه و زمانی که مهاجران در محیط جدید سکنی گزیدند، بین مهاجران و ساکنان بومی بر سر شغل، درآمد و دیگر امکانات زندگی رقابت پیش می‌آید، چون که افراد بومی، مهاجران را به عنوان تهدید یا رقیب برای خود می‌بینند. پارک ادعا کرد این یک مسأله‌ی طبیعی است که همه گروه‌ها برای سلطه یافتن بر روی منابع در دسترس (چه اقتصادی و چه جغرافیایی - مکانی) تلاش کنند (کالینز^۸ و مکاوکسی^۹، ۱۹۲: ۱۹۸۹).

۲. ۳. مرحله همراهی یا توافق

مرحله‌ای است که افراد مهاجر برای غلبه بر مشکلاتشان، برخی از هنجارها و رفتارهایشان را تغییر می‌دهند و رفتاری را بروز می‌دهند که با رفتار افراد بومی همخوانی بیشتری داشته باشد و جامعه میزبان نیز مقدار زیادی از ترس و واکنش خود را نسبت به افراد مهاجر از دست داده و احساس می‌کند که آن‌ها در واقع می‌توانند خلأهایی را در جامعه پر کنند. در این مرحله، مرزهای بین گروه‌ها (اکثریت و اقلیت) به مقدار زیادی مشخص می‌شود و در واقع اقلیت‌ها می‌فهمند که "جایگاهشان" کجاست.

۳. ۳. مرحله هم‌رنگی یا همانندی

زمانی است که افراد مهاجر با پذیرش راه و رسم و ارزش‌های فرهنگ جامعه میزبان، خود را شبیه اعضای بومی آن جامعه می‌کنند و در واقع در آن حل می‌شوند. (کالینز و مکاوکسی، ۱۹۲: ۱۹۸۹). پارک ادعا می‌کند که، هم‌رنگی، فراگردی از درهم آمیختگی و درهم فرورفتگی است که، طی آن اشخاص و گروه‌ها خاطره‌ها، احساسات و رویکردهای اشخاص دیگر را از آن خود می‌سازند و با سهیم شدن در تجربه و تاریخ دیگران، با آن‌ها در یک فرهنگ مشترک عجین می‌گردند" (پارک به نقل از کوزر، ۴۷۸: ۱۳۷۳). این رویکرد که عموماً در جامعه‌شناسی به عنوان رویکرد کارکردگرایی شناخته شده است معتقد است که، فرد مهاجر وارد یک ساختار از قبل ساخته و پرداخته شده می‌شود که این ساختار از لحاظ اندازه و تراکم از مبدا بزرگتر بوده و از تقسیم کار پیچیده تری برخوردار است. بنابراین، فرد مهاجر در صورتی می‌تواند موفقیت کسب کند که، مهارت‌های اجتماعی و شغلی لازم جهت ماندگاری در این محیط را بیاموزد. از منظر این دیدگاه، سن افراد مهاجر متغیر مهمی است چون که، آنهایی که در سنین جوانی مهاجرت می‌کنند، به خاطر اینکه در انتخاب نقش‌های اجتماعی خویش

دارای آزادی بیشتری بوده و از نظر شخصیتی، انعطاف پذیری بیشتری دارند و هم چنین چون عمر باقیمانده طولانی تری در پیش دارند، سرمایه گذاری در آموزش مهارت‌های جدید برای آن‌ها سودمند می‌باشد بنابراین، انگیزه بیشتری برای سازگاری با محیط جدید دارند. در همین راستا، افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، چون در کسب شغل از امکانات و اختیاراتی زیاده‌تری برخوردار بوده، و همچنین به دلیل اینکه در فرایند کسب تحصیلات، ارزش‌های عام یک جامعه (که فراتر از ارزش‌های محلی می‌باشند) را بیشتر درونی می‌کنند، و توانایی تحلیل مسائل و حل مشکلات را به دست می‌آورند (بری^{۱۲} و همکاران، ۳۶۶: ۲۰۰۲)، توانایی بالاتری در سازگاری با محیط‌های گوناگون دارند. این دیدگاه به دور از انتقاد نیست. لهسایی زاده گزارش می‌کند که، مهاجران در محیط مقصد، جذب محیط نمی‌شوند و در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان سوم، مهاجران در حاشیه شهرها سکونت می‌کنند. مهاجران در جامعه مقصد به صورت گروه‌های متمایز باقی می‌مانند و اگر چه می‌کوشند ارزش‌های مسلط در آن نظام را تقلید نمایند، اما به از خود بیگانگی فرهنگی دچار می‌شوند (لهسایی زاده، ۱۳: ۱۳۶۸).

رویکرد دیگری که در این زمینه مطرح است و تا حدودی با مرحله دوم نظریه پارک همخوانی دارد "فرضیه تماس"^{۱۳} می‌باشد که مدعی است، تماس بین افراد و با فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت، باعث کاهش کج فهمی‌ها و افکار کلیشه‌ای آن‌ها نسبت به یکدیگر شده، تفاهم و همکاری بین آن‌ها را افزایش خواهد داد (سیگلمن،^{۱۴} و ولش^{۱۵}، ۱۹۹۳؛ بری و همکاران، ۳۷۴: ۲۰۰۲). البته برای این که "فرضیه‌های تماس" نتیجه مطلوب داشته باشد، افراد و گروه‌های درگیر باید دارای موقعیت مشابه و مساوی باشند، تماس طولانی و روابط نزدیک بوده و تماس داوطلبانه و دارای میزانی از حمایت اجتماعی باشد یا حداقل منع قانونی و اجتماعی برای آن وجود نداشته باشد (سی یرز^{۱۶} و همکاران، ۴۲۲: ۱۹۹۱).

در تحقیق کنونی، از نظریه کارکردی استفاده شده است، همانگونه که قبلاً ذکر شد، از نظر این دیدگاه، سن و تحصیلات در سازگاری مهاجران بسیار مهم هستند. این تحقیق همچنین از "فرضیه‌ی تماس" سود جسته و فرض کرده است که، مدت اقامت مهاجران در قایمیه و ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان قایمیه، سازگاری مهاجران را آسانتر و بیشتر می‌کند. هم چنین، ازدید "فرضیه تماس"، نوع شغل مهاجران می‌تواند بر سازگاری آن‌ها موثر باشد، به این صورت که هر چه مشاغل افراد، آن‌ها را از محدوده دوستی‌ها و ارتباط‌های مهاجران بیرون کشیده و آن‌ها را در ارتباط با بومیان قرار دهد، فرهنگ پذیری و سازگاری آن‌ها را افزایش خواهد داد (بگلی^{۱۷}، ۴۰۴: ۲۰۰۰؛ وینر^{۱۸}، ۱۹۹۶)، بنابراین، در تحقیق حاضر، شغل نیز به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر، با توجه به موقعیت استراتژیکی شهر قایمیه و استعداد بسیار بالای این شهر در

مهاجرپذیری، به منظور بررسی سازگاری فرهنگی مهاجران شهر قائمیه صورت گرفته است. بنابراین، سوال‌های اصلی تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱- غیر بومیان تا چه اندازه توانسته‌اند با فرهنگ جامعه میزبان سازگاری حاصل نمایند؟
- ۲- غیر بومیان تا چه اندازه از وضع جدید خود راضی هستند و فرهنگ جدید، ارزش‌ها و هنجارهای آن را پذیرفته‌اند؟
- ۳- آیا تشابهات فرهنگی جامعه میزبان با فرهنگ غیر بومیان، در جهت تسهیل سازگاری است یا خیر؟
- ۴- عوامل مهم و تاثیر گذار در سازگاری فرهنگی غیر بومیان قائمیه کدامند و درجه تاثیر گذاری هر کدام تا چه اندازه است؟

روش تحقیق این مطالعه، پیمایش و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود. جامعه آماری شامل کلیه مهاجران (زن و مرد) به شهر قائمیه بودند که بالای ۱۵ سال سن داشتند و جمعیت آنان در سال ۱۳۸۳، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، و با کمک از آزمون ورتهایم، ۱۰۳۵۰ نفر برآورد گردید. از این تعداد، با استفاده از فرمول کوکران، یک نمونه ۳۲۵ نفری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. افراد نمونه به صورت تصادفی منظم انتخاب گردیدند.

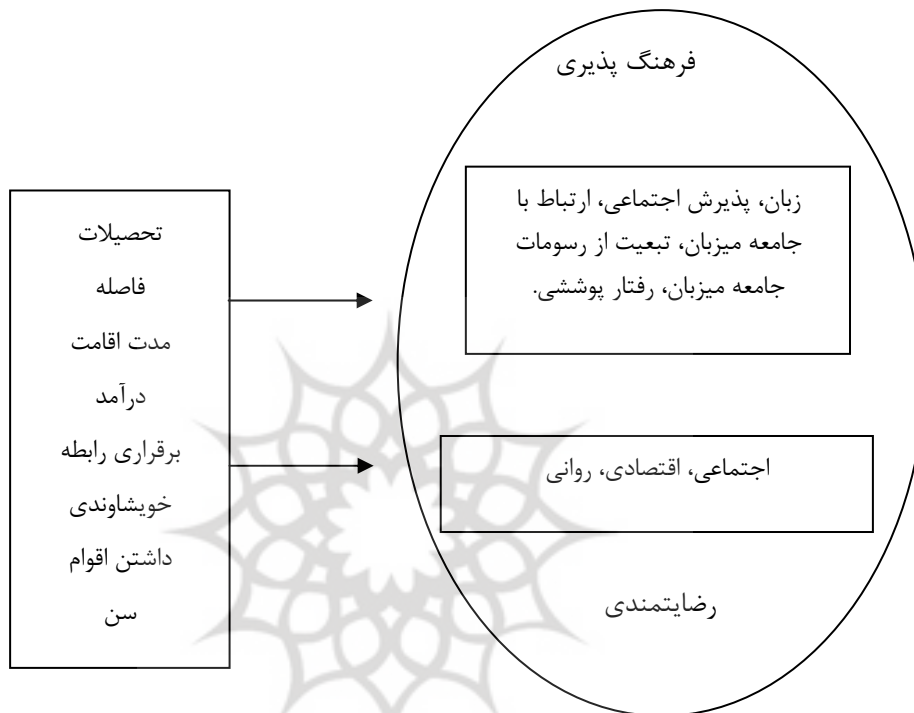
متغیر وابسته تحقیق، سازگاری (تطبیق پذیری) مهاجران بود که شامل دو زیر مجموعه فرهنگ پذیری و رضایتمندی می‌شد. گولدلاست^{۱۹} و ریچموند^{۲۰} (۱۹۷۴) معتقدند، یک رویکرد چند متغیره برای سنجش سازگاری می‌تواند یک اساس واقعی و همه جانبه نگر فراهم سازد و به کارگیری شاخص‌های فرهنگ پذیری، رضایتمندی و همانندی را، جهت این گونه مطالعه‌ها پیشنهاد می‌نمایند. هم‌چنین بری و همکاران (۲۰۰۲: ۳۵۲) معتقدند، انطباق پذیری^{۲۱} دارای یک جنبه روانشناختی می‌باشد، یعنی احساس رضایت و احترام به خود را در بر می‌گیرد و هم یک جنبه جامعه شناختی داشته و ارتباط فرد با جامعه را مشخص می‌کند. فرهنگ پذیری به وسیله‌ی ۱۹ سوال (جدول شماره ۱) و رضایتمندی توسط ۱۱ سوال (جدول شماره ۲) مورد سنجش قرار گرفتند. شاخص‌های مرتبط با هریک از زیرمجموعه‌های سازگاری در جدول شماره ۳ آورده شده‌اند. نمره‌ای که فرد از ۱۹ سوال مربوط به فرهنگ پذیری به دست می‌آورد، بیانگر میزان فرهنگ پذیری او بوده و نمره‌ای که فرد از ۱۱ سوال مربوط به رضایتمندی کسب می‌کند، بیانگر میزان رضایت او از محل زندگی جدید می‌باشد.

متغیرهای مستقل تحقیق، تحصیلات، میزان درآمد، سن، مدت اقامت در قائمیه، فاصله محل سکونت قبلی مهاجر نسبت به قائمیه، برقراری رابطه خویشاوندی با بومیان بعد از مهاجرت و داشتن اقوام در قائمیه قبل از مهاجرت بودند.

مدل تحقیق

عوامل اجتماعی - اقتصادی

سازگاری فرهنگی



جدول ۱: ضرایب همبستگی پیرسون، حاصل از آزمون همسانی درونی طیف فرهنگ پذیری.

ضریب همبستگی	گویه‌ها
۰/۶۱۹	۱- تا چه حد بر زبان بومیان قائمیه تسلط دارید؟
۰/۷۸۲	۲- تا چه اندازه در مکالمه‌های روزمره خود از زبان بومیان قائمیه استفاده می‌کنید؟
۰/۷۱۲	۳- تا چه اندازه با دوستان، آشنایان و فامیل خود با زبان بومیان قائمیه صحبت می‌کنید؟
۰/۶۷۵	۴- تا چه اندازه با فرزندان و اعضای خانواده خود با زبان بومیان قائمیه صحبت می‌کنید؟
۰/۶۰۱	۵- تا چه اندازه با آداب و رسوم و سنت‌های بومیان قائمیه عمل می‌کنید؟
۰/۵۴۱	۶- تا چه اندازه در مراسم عزاداری خود، به روش عزاداری بومیان قائمیه عمل می‌کنید؟
۰/۶۸۹	۷- تا چه اندازه در مراسم عروسی خود، به روش عروسی بومیان قائمیه عمل می‌کنید؟

بررسی عوامل موثر بر سازگاری فرهنگی مهاجران به شهر قائمیه / ۷۱

ضریب همبستگی	گویه‌ها
۰/۶۷۶	۸- تا چه اندازه تمایل دارید عروس شما بومی قائمیه باشد؟
۰/۶۹۳	۹- تا چه اندازه تمایل دارید داماد شما بومی قائمیه باشد؟
۰/۴۲۱	۱۰- تا چه اندازه از اینکه یک غیر بومی محسوب می‌شوید احساس ناراحتی می‌کنید؟
۰/۶۳۹	۱۱- تا چه اندازه بومیان قائمیه تمایل دارند با شما معاشرت کنند؟
۰/۴۹۹	۱۲- تا چه اندازه مایل به خرید منزل مسکونی در قائمیه می‌باشید؟
۰/۷۲۲	۱۳- تا چه اندازه حاضرید با بومیان قائمیه وصلت کنید؟
۰/۱۸*	۱۴- تا چه اندازه در نوع پوشش و نحوه لباس پوشیدن در خارج از منزل، از لباس‌های محلی خود استفاده می‌کنید؟
۰/۰۹*	۱۵- تا چه اندازه در نوع پوشش و نحوه لباس پوشیدن در منزل، از لباس‌های محلی خود استفاده می‌کنید؟
۰/۵۴۱	۱۶- تا چه اندازه حاضرید لباس‌های بومیان قائمیه را بپوشید؟
۰/۷۰۸	۱۷- تا چه اندازه دوست دارید با بومیان قائمیه همسایه باشید؟
۰/۷۳۴	۱۸- در صورت بروز مشکلات، تا چه اندازه سعی می‌کنید با بومیان قائمیه مشورت کنید؟
۰/۶۵۹	۱۹- تا چه اندازه با بومیان رابطه دوستانه دارید؟
۰/۷۲۸	۲۰- تا چه اندازه مایلید با بومیان رفت و آمد داشته باشید؟
۰/۶۷۲	۲۱- اگر به پول نیاز داشته باشید تا چه اندازه از بومیان قرض می‌گیرید؟

• همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار نبود، بنابراین حذف گردیدند.

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون، حاصل از آزمون همسانی درونی طیف رضایتمندی.

ضریب همبستگی پیرسون	گویه‌ها
۰/۵۳۴	۱- میزان بهتر شدن وضعیت درآمدی شما از زمان آمدن به قائمیه
۰/۶۱۴	۲- میزان مثبت بودن ارزیابی پاسخگویان از امکانات قائمیه
۰/۵۲۹	۳- میزان بهتر شدن وضع رفاهی در قائمیه، نسبت به محل سکونت اولیه
۰/۵۱۳	۴- میزان احترام گذاری بومیان به مهاجران
۰/۵۸۱	۵- میزان رضایت از برخورد مردم بومی
۰/۶۶۵	۶- میزان تشویق نمودن فرزندان برای اقامت در قائمیه
۰/۵۴۶	۷- میزان رضایت از اداره‌های قائمیه
۰/۶۴۳	۸- میزان بومی پنداشتن خود
۰/۴۶۱	۹- میزان بومی پنداشته شدن از سوی بومیان
۰/۴۹۱	۱۰- میزان اجبار به استفاده از زبان بومیان
۰/۴۰۷	۱۱- میزان احساس آرامش از زندگی در قائمیه

جدول ۳: توزیع فراوانی سطوح سازگاری فرهنگی و رضایتمندی.

رضایتمندی		سازگاری فرهنگی		سطوح
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۱/۲	۴	خیلی کم
۸	۲۶	۲۲/۲	۷۱	کم
۴۳/۹	۱۴۱	۴۸	۱۵۳	متوسط
۳۷/۱	۱۱۹	۲۴	۷۷	زیاد
۱۰/۱	۳۵	۴/۶	۱۴	خیلی زیاد
	۴		۶	بی جواب
۱۰۰	۳۲۵	۱۰۰	۳۲۵	کل

جدول بالا نشان می‌دهد که، ۲۲/۲ درصد مهاجران سازگاری کم و ۱/۲ درصد سازگاری خیلی کم داشته‌اند، در حالی که، ۴۸ درصد سازگاری متوسط و ۲۴ درصد سازگاری زیاد و ۴/۶ درصد نیز سازگاری خیلی زیاد داشته‌اند. در مجموع ۷۶/۶ درصد مهاجران سازگاری متوسط و بالاتر داشته‌اند. همچنین جدول بالا نشان می‌دهد که، ۸ درصد مهاجران رضایتمندی کم، ۴۳/۹ درصد رضایتمندی متوسط و ۳۷/۱ درصد زیاد و ۱۰/۱ درصد رضایتمندی خیلی زیاد داشته‌اند. در مجموع ۹۱/۱ درصد مهاجران رضایتمندی متوسط و بالاتر از متوسط، از وضعیت محل زندگی جدید داشته‌اند.

جدول ۴: ضرایب همبستگی سازگاری فرهنگی و ابعاد آن، با متغیرهای تحقیق

متغیرها	سن	تحصیلات	مدت اقامت	فاصله محل تولد	درآمد
سازگاری فرهنگی	۰/۱۸۷	۰/۱۴۱	۰/۳۲۲	-۰/۱۴۷	۰/۱۴۸
فرهنگ پذیری	۰/۱۴۵	۰/۱۷۱	۰/۲۹۱	-۰/۱۲۶	۰/۱۴۹
رضایت	۰/۲۵۷	۰/۰۴۱*	۰/۳۴۸	-۰/۱۵۲	۰/۱۳۳*

• دارای همبستگی معنی دار نمی‌باشد

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، سن، تحصیلات، مدت اقامت، فاصله محل تولد از قایمیه و درآمد با سازگاری فرهنگی و فرهنگ پذیری دارای رابطه معنی دار می‌باشند که، تنها فاصله محل تولد با قایمیه، رابطه منفی با سازگاری فرهنگی و فرهنگ پذیری دارد، یعنی هر چقدر فاصله محل تولد تا قایمیه افزایش یابد، میزان سازگاری فرهنگی و فرهنگ پذیری کاهش می‌یابد و بر عکس هرچقدر فاصله کم شود، سازگاری و فرهنگ پذیری افزایش می‌یابد. ولی چهار متغیر دیگر رابطه مثبت دارند. از میان متغیرهای مورد بررسی، مدت اقامت قوی ترین رابطه و تحصیلات ضعیف ترین همبستگی را با سازگاری فرهنگی و جامعه پذیری دارد. بعد رضایت با دو متغیر تحصیلات و درآمد رابطه معنادار

_____ بررسی عوامل موثر بر سازگاری فرهنگی مهاجران به شهر قائمیه / ۷۳

ندارند ولی، با سن و مدت اقامت رابطه مثبت معنادار دارد و با فاصله محل تولد، رابطه منفی معناداری یعنی، هر چقدر فاصله محل تولد از قائمیه بیشتر باشد، رضایت آنان کمتر است. برای بررسی تاثیر جداگانه و همزمان متغیرهای تحقیق بر سازگاری فرهنگی، از رگرسیون چند متغیره استفاده شده که نتایج آن در زیر آورده شده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون پیش بینی سازگاری فرهنگی، بر اساس متغیرهای تحقیق

مدل	متغیر	R چندگانه	R ²	R ² تغییر	F	sig
۱	مدت اقامت در قائمیه	۰/۳۲	۰/۱۰۲۴	۰/۱۰۲۴	۲۱/۶۵	۰/۰۰۰
۲	ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت	۰/۳۶	۰/۱۲۶۹	۰/۰۲۴۵	۱۹/۳۶	۰/۰۰۰
۳	سن	۰/۴۷	۰/۲۲۰۹	۰/۰۹۴	۱۷/۷۹	۰/۰۰۰
۴	درآمد	۰/۵۴	۰/۲۹۱۲	۰/۰۷۰۳	۱۵/۸۷	۰/۰۰۰
۵	سطح تحصیلات	۰/۵۹	۰/۳۴۸۱	۰/۰۵۶۹	۳/۶۲۲	۰/۰۰۰
۶	داشتن اقوام در قائمیه قبل از مهاجرت	۰/۶۳	۰/۳۹۶۹	۰/۰۴۸۸	۳/۱۲۵	۰/۰۰۲
۷	فاصله قائمیه تا محل تولد	۰/۶۶	۰/۴۳۸۶	۰/۰۳۸۷	-۲/۸۲۱	۰/۰۰۵

جدول بالا نشان می‌دهد که، متغیرهای مدت اقامت در قائمیه، داشتن رابطه خویشاوندی با افراد بومی، سن، درآمد، میزان تحصیلات، داشتن خویشاوند در قائمیه قبل از مهاجرت و فاصله محل تولد تا قائمیه، در مجموع ۴۳/۸۶ درصد تغییرهای سازگاری فرهنگی مهاجر را تبیین می‌نمایند. در مرتبه اول، مدت اقامت در قائمیه ۱۰/۲۴ درصد واریانس سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نماید و در مرتبه دوم، مدت اقامت در قائمیه و ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، ۱۲/۶۹ درصد واریانس سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نمایند. در مرتبه سوم، مدت اقامت در قائمیه و ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت و سن، ۲۲/۰۹ درصد واریانس سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نمایند و در مرتبه چهارم، مدت اقامت در قائمیه، ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، سن و درآمد ۲۹/۱۲ درصد واریانس سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نمایند و در مرتبه پنجم، مدت اقامت در قائمیه، ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، سن، درآمد و سطح تحصیلات، ۳۴/۸۱ درصد تغییرهای سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نمایند. در مرتبه ششم، مدت اقامت در قائمیه، ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، سن، درآمد، سطح تحصیلات و داشتن اقوام در قائمیه قبل از مهاجرت ۳۹/۶۹ درصد تغییرهای سازگاری فرهنگی را تبیین می‌نمایند، و در مرتبه آخر، مدت اقامت در قائمیه، ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، سن، درآمد، سطح تحصیلات، داشتن اقوام در قائمیه قبل از مهاجرت و فاصله قائمیه تا محل تولد، ۴۳/۸۶ درصد تغییرهای سازگاری فرهنگی را

تبیین می‌نمایند. همچنین در جدول شماره (۶) R^2 تغییر برای هر متغیر نشان داده شده است که، بیشترین R^2 تغییر (۰/۱۰۲۴) مربوط به متغیر مدت اقامت در قائمیه، و کمترین R^2 تغییر (۰/۰۳۸۷) مربوط به فاصله قائمیه تا محل تولد می‌باشد.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون پیش بینی سازگاری فرهنگی، بر اساس متغیرهای تحقیق

مدل	متغیر	ضریب B	ضریب β	t	sig
۱	مدت اقامت در قائمیه	۱/۲۴	۰/۴	۶/۱۰۷	۰/۰۰۰
۲	ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت	-۱۰/۷۸	-۰/۲۱	-۳/۳۷۱	۰/۰۰۰
۳	سن	۳/۴۵	۰/۲۶	۴/۶۷	۰/۰۰۰
۴	درآمد	۲/۸۶	۰/۲۳	۳/۹۷	۰/۰۰۰
۵	سطح تحصیلات	۷/۶۶	۰/۱۹	۳/۸۴	۰/۰۰۰
۶	داشتن اقوام در قائمیه قبل از مهاجرت	۱۱/۳۴	۰/۱۶	۳/۴۶	۰/۰۰۲
۷	فاصله قائمیه تا محل تولد	-۰/۰۸	-۰/۱۵	-۲/۸۲۱	۰/۰۰۵
	عدد ثابت	۶۷/۹	-	۶/۹۸۲	۰/۰۰۰

ضرایب بالا نشان می‌دهند که، تاثیر مدت اقامت در قائمیه در تبیین سازگاری فرهنگی، بیش از سایر متغیرهاست (تقریباً دو برابر) ولی سایر متغیرها، تاثیر کمتری در تبیین سازگاری فرهنگی دارند. تجزیه و تحلیل سایر متغیرها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که، متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل، نوع وسیله نقلیه و مالکیت منزل، رابطه معناداری با سازگاری فرهنگی و مؤلفه‌های آن، یعنی فرهنگ پذیری و رضایت‌مندی، ندارد. علاوه بر این، سازگاری فرهنگی دانشجویان و کارمندان بیشتر از محصلان، کارگران و زنان خانه‌دار می‌باشد. افزون بر این، تجزیه و تحلیل سازگاری بر حسب قومیت نشان داد که، غربت‌ها کمترین سازگاری و لرها، بیشترین سازگاری فرهنگی را از خود نشان داده‌اند.

۵. بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، سازگاری فرهنگی مهاجران شهر قائمیه کمی بالاتر از متوسط و میزان رضایت آنان نیز نسبتاً بالا است. البته در تفسیر داده‌ها باید جنبه احتیاط را حفظ کرد چون که، ۴۸ درصد پاسخگویان در طبقه "سازگاری متوسط" قرار می‌گیرند و این می‌تواند نشان دهنده "خطای تمایل مرکزی"^{۲۲} (روزنتال^{۲۳} و رازناو^{۲۴}، ۱۴۳: ۱۹۸۴) باشد، به این معنی که، پاسخگویان معمولاً از انتخاب گزینه‌های "خیلی زیاد" و یا "خیلی کم" امتناع ورزیده و بیشتر گزینه‌های میانه یا حد وسط را انتخاب می‌کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، میزان سواد و درآمد اثر مثبت ولی ناچیز، بر سازگاری

دارند و این شاید به دلیل سطح پایین تحصیلات اکثریت مهاجران بود. (حدود ۶۱ درصد آن‌ها دارای تحصیلات کمتر از دیپلم بودند) و بنابراین، سواد آن‌ها باعث بالا رفتن آن‌ها در سلسله مراتب اجتماعی نشده بود. در ارتباط با درآمد باید گفت که، طبق اظهار نظر خود مهاجران، فقط حدود ۱۰ درصد مهاجران دارای درآمد ماهیانه بالای ۲۰۰ هزار تومان بودند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که، فاصله محل سکونت اولیه مهاجران نسبت به شهر قائمیه، با سازگاری فرهنگی آنان رابطه منفی دارد، یعنی هر چه فاصله محل سکونت اولیه تا شهر قائمیه افزایش یابد، میزان سازگاری فرهنگی کاهش می‌یابد و برعکس. این مسأله تا حدودی سوال برانگیز است، چون که برخی تحقیقات، از جمله تحقیقات رامبات (۱۹۹۱) نشان داده‌اند که، هر چه مهاجران ارتباط کمتری با عناصر فرهنگی جامعه خودشان داشته باشند، بیشتر برای سازگاری تحت فشار قرار می‌گیرند و در نتیجه سازگاریشان نسبت به کسانی که کمتر تحت این فشار هستند، تسریع می‌شود. علاوه بر این، نتایج نشان داد که، بین مدت اقامت غیر بومیان در شهر قائمیه و سازگاری فرهنگی آنان رابطه مثبت معنادار وجود دارد و از بین همه متغیرها، مدت اقامت، قوی ترین رابطه را با سازگاری فرهنگی دارد و این فرضیه نیز تایید شد، غیربومیانی که با بومیان رابطه خویشاوندی برقرار کرده‌اند، از سازگاری بیشتری برخوردارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند، کسانی که بعد از مهاجرت با بومیان رابطه خویشاوندی برقرار کرده‌اند به طور متوسط، ۱۴/۷۱ درصد بیش از کسانی که نتوانسته‌اند با بومیان رابطه خویشاوندی برقرار کنند، سازگاری فرهنگی داشته‌اند. وینر (۱۹۹۶) معتقد است که، تمایل جامعه میزبان به پذیرش مهاجران و هم چنین تمایل مهاجران به پذیرش هویت جدید، دو عامل بسیار مهم در فرآیند سازگاری مهاجرین می‌باشند. ایجاد روابط خانوادگی بین مهاجران و افراد بومی، در واقع نشان دهنده وجود این تمایل از طرف جامعه میزبان و مهاجران می‌باشد. بعلاوه این فرضیه نیز تایید شد که، بین شغل غیر بومیان و سازگاری فرهنگی آنان رابطه وجود دارد. اظهارات پاسخگویان نشان می‌دهد که، ۱۷/۲ درصد مهاجران، کارمند، ۱۰/۸ درصد مغازه دار ۹/۲ درصد کارگر و ۵/۵ درصد دارای مشاغل خدماتی بودند. برخی مشاغل به گونه‌ای هستند که، باعث ارتباط بیشتر مهاجران با افراد جامعه میزبان شده و بنابراین می‌توانند در سازگاری نقش بسزایی ایفا نمایند. نتایج همچنین نشان می‌دهند که، دانشجویمان و کارمندان بیشترین سازگاری فرهنگی، کارگران و افراد خانه دار کمترین سازگاری را داشته‌اند و بالاخره اینکه بین سن غیر بومیان و سازگاری فرهنگی آنان رابطه معنادار وجود دارد و در مجموع، نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات ربانی و پالیزان (۱۳۸۳) و اکبری (۱۳۷۹) هماهنگ می‌باشند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که، سازگاری فرهنگی غیربومیان در حد متوسط بوده، ولی رضایتمندی آن‌ها در حد زیاد است. بنابراین، سازگاری فرهنگی غیر بومیان از بعد رضایتمندی، بیش از سازگاری فرهنگی آن‌ها از بعد فرهنگ پذیری است و برای سازگاری فرهنگی غیر بومیان، باید به بعد فرهنگ پذیری توجه نمود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که، افزایش سن، تحصیلات، مدت اقامت و

درآمد، موجب افزایش سازگاری می‌گردد و این در حالی است که، فاصله بین مقصد و محل تولد غیر بومیان، با سازگاری آنان رابطه منفی دارد، یعنی با افزایش آن، سازگاری فرهنگی کاهش می‌یابد. در بین متغیرهای ذکر شده، مدت اقامت، قوی‌ترین رابطه را با سازگاری فرهنگی دارد و این بدان معناست که، کسانی که مدت بیشتری در قائمیه سکونت داشته‌اند بیشتر توانسته‌اند خود را با فرهنگ مردم بومی انطباق دهند. به نظر می‌رسد عقیده‌ی رابرت پارک در مورد این فرضیه که جذب کامل فرد در فرهنگی دیگر به زمان قابل ملاحظه‌ای نیاز دارد صحیح باشد.

مهاجران اقوام غوری و لر، بیش از سایر اقوام توانسته‌اند خود را با فرهنگ مردم بومی تطبیق دهند. بنابراین، کار فرهنگی بر مهاجران اقوام غربت، کوهمره و ترک برای سازگاری فرهنگی بیشتر، از اولویت زیادتری برخوردار است. برای تبیین فرهنگ پذیری اقوام غوری و لر، دو علت را می‌توان ذکر نمود: یکی شباهت زبان و گویش این اقوام با بومیان قائمیه و دیگر اینکه مدت اقامت آن‌ها نسبت به اقوام دیگر بیشتر است، لذا بیشتر از سایر اقوام غیر بومی با بومیان قائمیه ارتباط داشته‌اند.

پارک، نقش امتزاج بیولوژی گروه قومی از طریق ازدواج و تشکیل خانواده با گروه مسلط را مهم تلقی می‌کرد و نتایج تحقیق نیز نشان داد که، برقراری ارتباط خویشاوندی با مردم بومی، از جمله عوامل دیگری است که می‌تواند سازگاری فرهنگی افراد را افزایش دهد؛ اما کسانی که قبل از مهاجرت، خویشاوندی در قائمیه داشته‌اند، کمتر از کسانی که فاقد خویشاوند در قائمیه بوده‌اند، توانسته‌اند خود را با فرهنگ مردم بومی انطباق دهند. این مسأله، با یافته‌های رامبات (۱۹۹۱) انطباق دارد که مطرح کرده بود، داشتن ارتباط با مهاجران قدیمی در درازمدت، پیشرفت سازگاری را مختل می‌سازد، یعنی شبکه‌های حمایتی اقوام و دوستان، رنج انطباق اولیه و انگیزه‌ها و فشارهای سازگاری زیاد با فرهنگ بومیان را کاهش می‌دهند.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که، وقتی متغیرهای مدت اقامت در قائمیه، ایجاد رابطه خویشاوندی با بومیان پس از مهاجرت، سن، درآمد، تحصیلات، داشتن اقوام در قائمیه قبل از مهاجرت و فاصله قائمیه تا محل تولد وارد معادله رگرسیون گردند، ۴۳/۸۶ درصد واریانس سازگاری فرهنگی غیر بومیان را تبیین می‌نمایند. این مسأله بسیار حائز اهمیت است چون که، سازگاری نسبتاً پایین پاسخگویان می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که، مهاجران بین فرهنگی، به ویژه نسل اول آنها، در واقع به ندرت به طور کامل جذب جامعه میزبان شده و همیشه به میزانی در حاشیه آن جامعه قرار می‌گیرند. این در واقع با "انسان حاشیه‌ای"^{۲۵} که رابرت پارک و یا اورت استون کویت^{۲۶} طرح کرده‌اند، بسیار همخوانی دارد؛ یعنی انسان حاشیه‌ای کسی است که، متعلق به دو گروه یا دو فرهنگ متفاوت است، بدون آنکه به هیچ یک از آن دو تعلق تام داشته باشد. به خاطر شرکت نداشتن در تجربه تاریخی گروهی که به آن پیوسته، او از دیدگاه آن گروه، فردی بی تاریخ است و از طرف دیگر، و شاید به دلیل همین عدم شرکت در تجربیات تاریخی، بسیاری از عناصر اجتماعی و فرهنگی جامعه که برای افراد بومی، طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسند، برای انسان حاشیه‌ای، قابل توجیه و پذیرفتنی نیستند. او "در

دو جهان زندگی می‌کند و در هر دو آن‌ها کم و بیش بیگانه است“ (کورز، ۴۸۵: ۱۳۷۳)، که این پدیده را به خودی خود نباید خیلی منفی در نظر گرفت چون که به گفته‌ی گئورگ زیمل^{۲۷} (به نقل از لوین^{۲۸}، ۱۹۷۱) انسان حاشیه‌ای، با توجه به فاصله فرهنگی که از جامعه اش دارد، از میزان بیشتری استقلال فکری و فرهنگی برخوردار بوده و در نقادی و آسیب شناسی جامعه، بی طرف تر و تواناتر می‌باشد.

یادداشت‌ها

- | | | |
|-------------------------------|------------------------|------------------|
| 1- Pfeifer | 2- Weirsbicki | 3- Rumbaut |
| 4- Weeks | 5- Zhelyazkova | 6- Brednikova |
| 7- Patchenkov | 8- Collins | 9- Makowsky |
| 10- Accommodation | 11- Assimilation | 12- Berry |
| 13- Contact hypothesis | 14- Sigelman | 15- Welch |
| 16- Sears | 17- Begley | 18- Weiner |
| 19- Goldlust | 20- Richmond | 21- Adaptation |
| 22- Error of central tendency | 23- Rosenthal | 24- Resnow |
| 25- Marginal man | 26- Everret stonequist | 27- Georg simmel |
| 28- Levine | | |

منابع

الف. منابع فارسی

- ایران محبوب، جلیل، و میرفردی، اصغر. (۱۳۸۲). بررسی تاثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران (از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵). فصلنامه جمعیت، ۴۵ و ۴۶، ۱۳۵-۱۰۳
- اکبری، نظام. (۱۳۷۹). بررسی عوامل موثر بر سازگاری ایرانیان مقیم امارات متحده عربی. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ربانی، رسول و پالیزان، احمد. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اجتماعی موثر در فرهنگ پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. ۱۴، ۴۱-۶۵.
- روشه، گی. (۱۳۷۶). جامعه شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- سیف الهی، سیف الله، و امیر مظاهری، مسعود. (۱۳۸۵). انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با شهرنشینی در ایران. بصیرت، ۱۷، ۱۱۷-۱۴۳.
- شعرباف، حمید. (۱۳۷۶). بررسی عوامل موثر بر تمایلات آوارگان افغانی شهر اصفهان و حومه در بازگشت به افغانستان. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی.

کوزر، لوئیس. (۱۳۷۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی ارم.

لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: نوید.

وینر، مایرون. (۱۹۹۶). *عوامل موثر در ادغام مهاجران: یک بررسی مقایسه‌ای بین‌المللی*. ترجمه‌ی منصور حقیقتیان، فصلنامه جمعیت، ۴۹ و ۵۰، زمستان ۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۱۵.

ب. منابع انگلیسی

Akbari Melhi, F. (1998). **The Effects of Migration on Family Relationships**. University of Philipines, College of Social Work and Community Development. Available from: [http:// database, irandoc.ac.ir /0023/002322910.htm](http://database.irandoc.ac.ir/0023/002322910.htm)

Begley, Polly A.(2000). *Sojourner Adaptation*. In: Samovar, L. A. and Porter, R. E. (Eds.) , **Intercultural Communication: A Reader**. 9th Edition. Belmont, CA. Wadsworth Publishing Company.

Berry, J. W., Poortinga, Y. H., Segeall, M. H., and Dasen, P. R. (2002). **Cross- Cultural Psychology: Research and Applications**. 2nd Edition. Cambridge: Cambridge University Press, 345-383.

Brednikova, Olga and Patchenkov, Oleg. (1991). **Economic Migrants from Azerbaijan in S. Petersburg: The problems of Social Adaptation and Integration**. Caucasian Regional Studies, Available from: [http://poli. Vub.ac/public/ crs/eng/o401-04.html](http://poli.Vub.ac/public/crs/eng/o401-04.html).

Collins, R. and Makowsky, M. (1989). **The Discovery of Society**. 4th Edition. New York: Random House, Inc.

Goldlust, J. and Richmond, A. H. (1974). *A Multi-Variant Model of Immigration*. **International Migration Review**. 8(2), 193-225.

Levine, Donald. (1971). **Georg Simmel on Individuality and Social Forms**. Chicago: University of Chicago Press.

Pfeifer, Mark Edward. (1999). **Community, Adaptation and the Vietnames in Toronto**". Available from: [http://ceris. Metropolis.net/ virtual%20 library/ community/ pfeifer2front.html](http://ceris.Metropolis.net/virtual%20library/community/pfeifer2front.html), 1-9.

Rosenthal, R. and Rosnow, R. (1984). **Essentials of Behavioral Research: Methods and Data Analysis**. New York: Mac Graw Hill.

Sigelman, Lee J., Welch, Susan. (1993). *The Contact Hypothesis Revisited: Black-White Interaction and Positive Racial Attitudes*. **Social Forces**, 71(3), 781-795.

Sears, David D., Peplau, Letitia A. and Taylor, Shelley E. (1991). **Social Psychology**. 7th Edition. New Jersey: Prentice- Hall, Inc.

Weeks, John R. (1999). **Population: An Introduction to concepts and Issues**. 7th Edition. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.

Weirsbicki, S. (2004). **Beyond the Immigrant Enclave: Network Change and Assimilation**. University of California, Irvine. Available from: <http://www.ifbscholarly.com/new-americans/weirsbicki-3200430.htm>.

Zhelyazkova, A. (1998). **Between Adaptation and Nostalgia: The Bulgarian Turks in Turkey**. International Center for Minority Research and Intercultural Relations. Available from: http://www.Omda.bg/imir/studies/nostalgia_i.htm, 1-13.

